

درس بیست و هفتم



واژگان درس

دزد :	الّصّ / السارق	پريد :	قفز
پايين :	الأسفل	خبر كنيم :	نُخبر / نعلن
پليس :	الشرطي	بن بست :	الطريق المسدود
سروان :	العقيد	اظهارات :	التصريحات
شكستن :	الكسر / الإنكسار	شيشه :	الزجاجة
برپا كردن :	الإقامة / النصب		

ساختارهای گفتاری درس

آرام باش :	كن هادئاً
خواهش می كنم :	أطلب / أرجو
در حال نماز خواندن بودم :	كنت مشغولاً بأداء الصلاة
می ترسیدم :	كنت أخاف
برای همگی :	للجميع
چه اتفاقی افتاد؟ :	ماذا حَدَث؟
در خدمت مردم هستيم :	نحن في خدمة الشعب



محسن: دزد، دزد، دزد آمده

حسن: سلام، دزد از این پنجره پرید پایین.

پدر: حسن جان آرام باش.

مادر: دزد از این پنجره به پایین پرید.

محسن: باید به پلیس ۱۱۰ تماس بگیریم.

حسن: بله بله پلیس باید پلیس خبر کنیم. من چه بگویم؟

محسن: صحبت کن.

پلیس: پلیس ۱۱۰ بفرمائید.

حسن: سلام آقای پلیس، ببخشید اینجا دزد آمده.

پلیس: اسم و آدرس و شماره تلفن شما چیست؟

حسن: خیابان شمیران، خیابان ناصر خسرو، کوچه شهید حسین مؤمنی، بن بست اول، پلاک یک. آقای پلیس

ما در خطر هستیم عجله کنید.

پلیس: ما تا ده دقیقه دیگر آنجا هستیم.

حسن: خیلی ممنون.



پلیس: سلام، سروان حمیدی هستم در خدمت شما.

پدر: سلام جناب سروان خیلی خوش آمدید.

محسن: سلام جناب سروان.

پلیس: لطفاً بفرمائید بنشینید من اظهارات شما را خواهم نوشت، بفرمائید.

پلیس: من از حسین آقا خواهش می کنم برای همگی جای بیاورند.

پلیس: من از حسن عبدالله خواهش می کنم که راجع به اتفاقات امشب توضیح بدهند.

حسن: من در حال نماز خواندم که ...

پلیس: نه من در حال نماز خواندن بودم که ...

حسن: بله، که صدای شکستن شیشه را شنیدم.

پلیس: بعد از آنکه شما صدای شکستن شیشه را شنیدید چه اتفاقی افتاد؟

پلیس: محسن جان شما لطف کنید تخته را بر پا کنید.

مادر: قبل از اینکه شما بیایید اینجا دزد آمده بود.

حسن: قبل از اینکه شما بیایید من می ترسیدم، بعد از اینکه شما آمدید دزد رفت.

پلیس: آفرین ما همیشه در خدمت مردم هستیم.

۱. چه کسی فریاد زد دزد؟

۲. دزد از کجا رفت؟

۳. با چه کسی تماس گرفتند؟

۴. حسن به پلیس چه گفت؟

۵. پلیس چه وقت رسید؟

۶. نام پلیس چه بود؟

۷. پلیس چه چیزی را می نویسد؟

۸. صدای شکستن چه چیزی آمد؟

۱. با صدای بلند فریاد زد. (صَرَخَ بأعلى صوته.)
۲. به پاسگاه پلیس مراجعه کنید. (راجع مخفر الشرطة.)
۳. مشکل شما چیست؟ (ما هي مشكلتكم؟)
۴. از چه می ترسید؟ (ما سبب خوفكم؟)
۵. پلیس به شما کمک خواهد کرد. (الشرطي يساعدكم)

نام ها و تصاویر

نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

پلیس - سرباز - اتومبیل پلیس - هفت تیر - باتوم - دستبند



الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

- | | |
|--|--|
| • ۱. من پس از ناهار یک لیوان آب می نوشم. | • ۶. كان عندنا امتحان في الاسبوع الماضي. |
| • ۲. چهره اش را دیدی؟ | • ۷. أنا كنت أول من رأى اللصّ. |
| • ۳. ما هفته قبل امتحان داشتیم. | • ۸. ماذا قد لبس؟ |
| • ۴. چه لباسی پوشیده بود؟ | • ۹. أنا أشرب كأساً من الماء بعد الغداء. |
| • ۵. من اولین نفری بودم که دزد را دیدم. | • ۱۰. هل رأيت وجهه. |

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

۱. آن مرد کلاه داشتند. _____
۲. بر روی صورتش نقاب زده بود. _____
۳. شما برای تکمیل پرونده به پاسگاه بیاید. _____
۴. اگر بمانید ما خوشحال می شود. _____
۵. ما می رویم نان می خرم. _____
۶. من سه تا نان می خواهی. _____
۷. من اینجا کاری نداریم. _____
۸. بیشتر از این مزاحم نمی شوم. _____

تمرین‌ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

باران	•	•	قَبَّعة
تاریک	•	•	قوات الامن
کلاه	•	•	مطر
نیروی انتظامی	•	•	مظلم
دزد	•	•	شرطه
رنگ	•	•	لصّ
پلیس	•	•	لون

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

تاریک	_____	روشن	_____
اولین	_____	نورانی	_____
خاموش	_____	آفرین	_____
آینده	_____	گذشته	_____

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. دزد :
۲. فریاد زد:
۳. پرید :
۴. لباس :
۵. فردا:

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. پنجره - از - پایین - پریدم - من - به. _____
۲. الآن - مأموریت - در - من - هستم. _____
۳. بیایید - فردا - تکمیل - برای - مقرر - پرونده - پلیس - به. _____
۴. لباس - دزد - بود - چه - رنگ؟ _____
۵. با - برای - نان - به - من - دوستم - خرید - بازار - می رویم. _____

ز. جاهای خالی را با کلمات داخل کادر پر کنید:

کبوتر دستمال سفیدش را از _____ درخت به _____ رها کرد و مسابقه _____ شد. خرگوش به سرعت _____ و چند بار دور _____ دوید اما _____ به آرامی حرکت می کرد. و هنوز _____ برکه را طی نکرده بود. خرگوش هر بار که به او _____ او را _____ می کرد. در دور _____ خرگوش فکر کرد که چرا آنقدر _____ می کند زیرا که لاک پشت _____ نمی تواند به او برسد. برای همین شروع به _____ کرد و با سنجابه های بالای _____ و روی _____ بالا و پایین _____ و بازی می کرد. و از _____ جنگل می خورد. اما لاک پشت بدون استراحت و توقف _____ می رفت.

شروع / زمین / پایین / برکه / تلاش / لاک پشت / دور / هفتم / مسخره / بازی / پیش / میوه های

«الجمع»

في اللغة الفارسية يوجد الاسم إمّا مفرداً و إمّا جمعاً و لا يوجد المثنى . و علامت الجمع أن نضيف إلى آخر الاسم إمّا «ها» أو «ان» و أحياناً يجمع بعض الاسماء بكلا الشكلين.

مرد (رجل) مردان - مردها درخت (شجرة) درختان - درخت ها

مدرسه - مدرسه ها كتاب - كتاب ها

مداد - مدادها انسان - انسانها

أمثلة:

۱ - ابن سینا از دانشمندان ایرانی است. (ابن سینا من العلماء الإيرانيين).

۲ - من شاعران فارسی را می شناسم. (أنا أعرف الشعراء الإيرانيين).

۳ - درختان را قطع کردند. (قطعوا الاشجار)

۴ - این کتابها را از کجا خریدی؟ (من أين إشتريت هذه الكتب؟)

۵ - پلیس دزدان را دستگیر کرد. (ألقت الشرطة القبض على اللصوص).